

راستگو

ساسان محمودي

آن یکی پرسید اشتر را که هی گفت از حمام گرم کوی تو
از کجا میآیی ای فرخنده پی گفت خود پیداست از زانوی تو [1]

اندر انتشار يك روايت درون سازماني "با ارزش" [2] از مركز اسناد انقلاب اسلامي و در بوقی كردن آن توسط اطلاعات ابله

مركز اسناد انقلاب اسلامي ، مركز نگهداري اوراق بازجويي كه محصول زحمات برادران شكنجگر در دو رژيم شاه و شيخ است اخيراً دسته گل ديگري به آب داده و در يك صفحه به پروپاگاندا كتابي گردآمده از اعترافات زير شكنجه و يا قلم بمزدي خود فروختگان رو آورده آنچنان كه آنرا به مجموعه‌اي "در نوع خود بي نظير" و "حاوي اطلاعات مهم سازماني" تبديل کرده است . از همين دو شبه جمله ناقابل به همه آنچه مركز بايگاني فوق بر آن معترف است ميتوان پی برد نوعش همان پيش‌گفته‌بازجويي است و محتوايش نيز اطلاعات بدست آمده ، و در مجموع موجزي از ركلام منتشره .

در احوالات نويسنده

راستگوي مركز اسناد "تحصيلات دبirstاني خود را در شهر بابل در رشته ادبيات آلماني به اتمام ميرساند" ناگفته پيداست كه شهرستان بابل آن ايام بانچنان پيشرفتي دست يافته بود كه تحصيلات دبirstاني داراي رشته ادبيات زبان آلماني بود . جلّ الخالق از بابل و اينهمه پيشرفت آنها در سنه جرت مئه . بهر حال راستگويي خنق كه نميآورد . با پايان ادبيات زبان آلماني وي في الفور " وارد دانشگاه تهران شد" در اين ترديد نيست كه كليه اصحاب سرکوب و چپاول مي‌بايدو لزوماً سر از دانشگاه تهران بخصوص در روزهاي جمعه در آورند و با ناله و افغان فریاد مرگ بر ... سردهند تا بلکه نال و نوایي نواله شان شود . او "پس از دوسال به آلمان رفت" "و از سال 1358 به انجمن هاي دانشجويان مسلمان هوادار سازمان مجاهدين خلق در آلمان پيوست" - مبارك باشد ! چون انجمن هاي هوادار مجاهدين از سال 1360 به بعد تأسيس گرديد . اشكالي ندارد ، راستگو كم حافظه نميشود . در همان حال در سومين دانشگاه خود (اولي در رشته ادبيات آلماني در دبirstان بابل ، دومي در رشته نماز جمعه در دانشگاه تهران و بالاخره سومي در دانشگاه اسن در آلمان در رشته ساختمان) مشغول ميشود درحاليكه "در بخش روابط خارجي شاخه بوخوم فعاليت خود را آغاز كرد" يعني دو دست مبارکش در اسن و دو پايش در بوخوم ... [1] در اينكه فعاليت هاي مشعشع خود را در بوخوم در هر سالي آغاز کرده باشد ، بر منكرش لعنت چراكه از آخوند حرامزاده هر ذالتي بگويي برميآيد ولي اينكه هواداران سازمان مجاهدين در سال 1358 در بخش روابط خارجي آنها در شهرستان بوخوم شاخه آورده باشند بايد كمي شاخ درآورد . ضمن اينكه "در سال 60 آقاي راستگو موظف شد تا اقدامات حقوقي براي پناهندگان هوادار سازمان را بعهده گيرد". اين را ديگر بايد قطعي و صددرصد مطابق واقع دانست فقط با كمي هرمنوتيك كلامي بايد آلمان را به اوين تأويل كرد كه در سال 60 هواداران سازمان را كمك هاي حقوقي جهت آمادگي براي دادگاه هاي چند دقيقه اي ميكرد تا از شرّ مارهاي همچو او به اژدهوان جوخه اعدام پناهنده شوند. [2] شاهد صحت عرايض نيز مركز اسناد انقلاب اسلامي است و آرشيو آن ... هرچه باشد "اين كتاب درنوع خود بي نظير و حاوي اطلاعات مهمي است" از جمله اينكه راستگو ، بهمراه چند نفر از اعضاي مجاهدين خلق سازماني تحت عنوان سازمان فارغ التحصيلان دموكراتيک ايران در آلمان غربي را تأسيس كرد" ! "تحت پوشش شوراي ملي مقاومت" دو لبي شکر زيادي خوردن اين اشكال را هم دارد كه ممكن است در گلوي وزارتني ناشني گير کند . رتبه ها و قبه هاي مركز اسناد انقلاب اسلامي - مورد تأييدات وزرات ابله - همچنان بالا ميرود تا جائيكه در سال 1364 مجبور به "تأسيس ديپلماسي" در سازمان مجاهدين مي‌شود تا راستگو به آن منتقل شود از عجايب اين سازمان دهی شگفت اهداف آنست : "هدف اين سازمان تماس با مقامات كشورهاي آلمان ، اتریش ، سوئيس و لوگزامبورگ بود" اما هنوز راستگو كردن راستگو ! يك چيز

کم دارد ، درجات نظامی ، افتخارات شرکت در صفوف ارتش آزادیبخش که آنهم با يك نوك قلم برآورده میشود ضمن اینکه اینجا پایان داستان است و موعد الصاق ننگ بریده مزدوری ، تاراستگو رجسی در خور حلقوم آخوند شود .

در نگاهی کوتاه این نوشته بیشتر ناشی از يك سگ دعوای آخوندی بنظر میرسد . والا هیچ احمقی حاضر بدرج چنین سند رسوایی نیست آنهم مکرر در مکرر ، یکبار مرکز انقلاب اسلامی آنرا نشخوار میکند و بار دیگر وزارت بلاهت بله آنرا بازخوار ، تبلیغ و پروپاگاندش که چنین است باید در یافت اصل مطلب را !

فهرست رئوس؟!

مطلب شروع نشده ، ”فهرست رئوس“ پیش کشیده میشود که خود گویای همه چیز است . بخش اول کتاب ، ”مبارزه مسلحانه ؛ هم استراتژی هم تاکتیک“ نام دارد . معلوم نیست راستگو اینقدر پرت و گول است یا اربابان کانا و کندزهنش ، چرا که این جمله ”مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک“ جمله ای است معروف از یکی از انقلابیون که کتابی بهمین عنوان سه دهه پیش تألیف و انتشار داد[3] ”فهرست رئوس“ بلافاصله بسراغ ساختار تشکیلاتی سازمان مجاهدین می رود که دارای دو بال است : شورایملي مقاومت و ارتش آزادیبخش . بنام به این سازمان مجاهدین که يك کاسه همه عالم را به زیر چتر فراگیر خود از نظامی و سیاسی میکشد . بهمین خاطر هم ، در برشمردن سازمان های عضو شورا اثری از نام سازمان مجاهدین نیست . چون نمیشود که آدم عضو بال سیاسی خودش هم باشد ، تناقض دارد . لذا بهتر است سازمان مجاهدین عضو شورایملي مقاومت نباشد ، اشکالی ایجاد نمیشود که ! چرا باید خودمان را بی خود به در دسر بیاندازیم اینجوری کار راحت تر جلو می رود ، در ضمن شخصیت های عضو شورا را هم همین جا بهتر است جزء سازمان های عضو جازده و قال قضیه را بکنیم . اما بشنوید از بخش مالی مجاهدین که شاهکاری است از راستگو ، بطور بسیار شیرفهم ، بخش مالی دو بخش دارد : ”بخش مالی اجتماعی ، و بخش مالی ویژه“ ، ضمن اینکه ”سربازگیری سازمان مجاهدین از کشورهای غربی“ را هم اگر میخواهید بفهمید که توسط کدام بخش انجام میشود حتماً بیاد بسپارید که توسط بخش مالی . همینطور بهتر است ”سازمان و انجمن های پوششی مجاهدین“ را هم جزء همین بخش مالی سازماندهی کنیم اینطور قشنگ تر میشود ! اما همه این سازماندهی که کمتر یافته و اکثر یافته است . تنها بيك منظور سر هم بندي می شود . بخاطر بخش چهارم کتاب : بخش مهم و دارای ”اطلاعات دست اول و جالب“ مورد علاقه آخوند و اطلاعات شکنجه گر : ”زندان های مجاهدین شامل زندان های داخل قرارگاههای سازمان و زندان های تحت حاکمیت دولت عراق“ شکنجه ، خودکشی ، محاکمات و ... همه اخبار و وقایع باب طبع ! تا لااقل وصف العیش باشد ، چه فرق میکند ، چونکه حتی ذکر شکنجه و کشتار ، حتی در نسبت دادن آن به مجاهدین هم ، آخوند و اطلاعات خونخوارش را کیفور میکند . تنها يك مشکل لاینحل همچنان مانده است آنهم مشکل زبان است که همچنان باقی است و هنوز عقول کشتار و سرکوب بر علاج آن به چاره جویی مشغول4.

[1] در روایت است که در ظهور دجال ، خر دجال آنچنان است که وقتی دو دستش در قم باشد دو پایش در کاشان است ، پیدا کنید فاصله اسن و بوخوم را !

[2] در روایت است ایضاً که در جهنم مارهایی است که دوزخیان از شرورشان به ازدها پناهنده میشوند .

[3] مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک بقلم فدایی شهید مسعود احمد زاده در سال 1350 انتشار یافت .

[4] در روایت است که دروغگو در جهنم زبانش تا نوك شکمش میرسد! العهدة علي الراوي

+++++

http://www.iran-efshagar.com/common/details.aspx?id=1539#_ftn1